

برخی عوامل مؤثر بر کودک آزاری از سوی والدین (پدر) (مطالعه موردی دانش‌آموزان پسر دوره ابتدایی ناحیه ۲ قم)

حمید جعفریان یسار^۱، فرزانه جعفریان یسار^۲

^۱عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان، پردیس طالقانی قم

^۲دانشجوی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان - پردیس حضرت معصومه قم

نویسنده مسئول:

حمید جعفریان یسار

چکیده

هدف این مطالعه بررسی مفهوم کودک آزاری و عوامل مؤثر بر آن است. این مطالعه به روش توصیفی و زمینه‌یابی انجام شده است. جامعه آماری آن عبارت است از دانش‌آموزان پسر و پدران آنها در مدارس ناحیه ۲ قم واقع شده در حاشیه شهر. نمونه آماری تعداد ۲۰ نفر دانش‌آموزان پسر که توسط پدرانشان مورد اذیت قرار گرفته‌اند، بود. ابزار اندازه‌گیری پرسش‌نامه محقق ساخته که در آن وضعیت آزار و اذیت آزمون شونده مورد بررسی قرار می‌گیرد است. یافته‌های این مطالعه نشان داد: والدین (پدر) بیسواد یا کم سواد، به میزان ۷۴ درصد، سیکل به میزان ۶۳ درصد، دیپلم به میزان ۵۲ درصد، لیسانس به میزان ۳۸ درصد و در مجموع والدین (پدر) به میزان ۷۵ درصد، فرزندان خود را مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند. بر اساس مقایسه نسبی، والدینی که دارای تحصیلات عالی هستند (یعنی دانشگاه رفته‌اند)، به نسبت ۲ برابر کمتر از والدین دارای تحصیلات زیر دیپلم، کودک آزاری می‌کنند. بین میزان کودک آزاری والدین (پدر) با درجه تحصیلات آنان، به میزان ۰/۲۶۶ همبستگی معکوس وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه تحصیلات والدین (پدر) کمتر می‌شود، بر میزان کودک آزاری آنان اضافه می‌گردد. ضمناً این مقدار همبستگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. بین میزان کودک آزاری والدین (پدر) با وضعیت شغلی آنان، به میزان ۰/۱۰۸ همبستگی مستقیم وجود دارد. به عبارت دیگر، اگر والدین (پدر) شغل مشخصی داشته باشند، از میزان کودک آزاری آنان کاسته می‌شود. ضمناً این مقدار همبستگی معنادار نیست.

کلیدواژه‌ها: کودک آزاری، والدین (پدر)، دانش‌آموزان پسر

۱- مقدمه و طرح مسأله

کودک آزاری پدیده‌ای شناخته شده در جوامع دیروز و امروز است. بعضی کودکان آزاری‌ها ریشه در مسائل اقتصادی و پایین رفتن آستانه تحمل افراد دارد. خانواده‌ای که دارای پنج فرزند بودند، از طریق اداره‌ای که پدر در آن کار می‌کند به صورت اقساط صاحب‌خانه می‌شوند که باعث فشار سنگین اقتصادی بر آنها می‌شود و ناچار می‌شوند در همه امور صرفه‌جویی کرده تا بتوانند اقساط خانه خود را پرداخت کنند. دختر کوچک آنها در دوم دبستان درس می‌خواند. یک شب به علت این که مدادش را چندین بار با مدادتراش می‌تراشد و دوباره می‌شکند، باعث خشم پدر شده و پدر عصبانی با کمر بند وی را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد که یکی از ضربه‌های کمر بند از قسمت فلزی آن بر سر کودک خورده و باعث ضربه مغزی وی می‌شود. کودک به بیمارستان منتقل شده و روز بعد فوت می‌کند. پدر این کودک دستگیر شده و زندانی می‌شود. بعد از دو سال که در زندان می‌ماند به خاطر عذاب وجدان از کاری که کرده و کودک خود را ناخواسته به قتل رسانده دچار بیماری روانی می‌شود و حتی از رفتن به خانه‌ای که جان کودک دل‌بندش را بر سر آن نهاده خودداری می‌کند. برای پیشگیری از وقوع چنین مواردی که بیشتر حالت تصادف و حادثه دارد نیاز به کار فرهنگی بیشتری است، با آگاهی دادن به خانواده‌ها برای چگونگی برخورد با فرزندان خود می‌توان از بروز چنین اتفاقاتی جلوگیری کرد. هر بار که یک مورد کودک آزاری که باعث جریحه دار شدن افکار عمومی جامعه می‌شود اتفاق می‌افتد، موضوع کودک آزاری در صدر اخبار رسانه‌ها قرار می‌گیرد و بعد از مدتی فراموش می‌شود تا مورد بعدی اتفاق بیفتد. این مسامحه و سهل‌انگاری در برابر حقوق کودکان بی‌پناه و بی‌گناه قابل قبول نیست. علاج واقع را قبل از وقوع باید کرد و نوشداروی بعد از مرگ سهراب دردی را دوا نمی‌کند. قبل از این که مورد دیگری از کودک آزاری باعث جریحه دار شدن احساسات جامعه شود، باید به فکر راه و چاره بود و با اقدامات فرهنگی، قانونی و بازدارنده راه را بر تکرار خطا بست. به نظر می‌رسد کودک آزاری در جامعه ایرانی هنوز حالت بحرانی به خود نگرفته، ولی نباید دست روی دست گذاشت تا به این مرحله رسید و آن موقع فکر راه و چاره بود. بزرگترهای امروز، کودکان دیروز بودند، کودکان امروز، بزرگترهای فردا، خواهند شد. باید به فکر بود تا پدران و مادران فردا، کودکان دیروز را سرزنش نکنند. این مطالعه به روش توصیفی قصد بررسی مفهوم کودک آزاری و برخی عوامل مؤثر بر آن را دارد. مفهوم کودک آزاری چیست و چه عواملی می‌تواند روی آن تأثیر بگذارد؟

۲- پیشینه نظری و سابقه موضوع

شرارت و خشونت آموخته شده: نظریه لئونارد برکویتس لئونارد برکویتس^۱ بر یادگیری مشاهده‌ای رفتار پرخاشگرانه و خشونت ابراز شده از سوی انسان تأکید نموده است. یادگیری در رفتار پرخاشگری انسان نقش مهمتری از غریزه دارد که این امر حاصل تعامل ساختاری پیچیده بین انگیزه‌های ذاتی و پاسخ‌های آموخته شده است (شکر، ۸-۱۶۷: ۱۳۶۷). البته او معتقد است با اصلاح ساخت یادگیری فرد، می‌توان طبیعت پرخاشگری او را تعدیل و با انعطاف‌تر نمود. کودک با مشاهده اعمال خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه والدین با جلوه‌های بیشتر جسمانی تا روانی که در واکنش به مثلاً عدم پای‌بندی آنها به خواسته‌ها و قوانین مد نظر والدین رخ می‌دهد، این پدیده را فرا می‌گیرد. کودک بر اثر مشاهده می‌آموزد که عدم توجه و بروز ناکامی در تحقق خواسته‌هایش را با شرارت و خشونت پاسخگو باشد. البته این توجیه بیان تمام بسترهای نظری پرخاشگری و شرارت نخواهد بود، ولی با توجه به این که بخش عمده یادگیری کودک در خانواده و در سنین اولیه روی می‌دهد و وقایع این دوره از اهمیت زیادی برخوردار است و باعث انتقال این الگوهای رفتاری به زندگی آینده کودک می‌گردد. یادگیری اجتماعی - مشاهده‌ای: نظریه آلبرت بندورا (۱۹۷۵)، (نقل از سیف ۲۷۲: ۱۳۷۳)، اعتقاد دارد، بخش اعظم یادگیری از طریق مشاهده رفتار دیگران است. نکته مهم در این دیدگاه عدم نیاز به تقویت فوری است، یعنی فرد رفتار را مشاهده کرده و می‌آموزد، ولی تا زمانی که نیازی به ابراز آن نباشد و به عبارتی عامل تقویتی وجود نداشته باشد، بروز نمی‌کند. هر چه الگو از مقبولیت و مشروعیت بیشتری برخوردار باشد احتمال یادگیری بیشتر است (سیف ۲۷۵: ۱۳۷۳). در این مورد خاص والدین به صورت افراد صاحب قدرت از نفوذ زیادی برخوردارند و کودکان آنها را به عنوان الگوی مناسبی تلقی نموده و در طول زندگی و هنگامی که خود بخواهند با کودکانشان برخورد کنند از همان شیوه‌های آزارگری توأم با غفلت و مسامحه استفاده می‌کنند. سوابق پژوهشی و عوامل ساختاری کودک آزاری زمینه‌ها و عوامل اصلی آزار کودکان توسط خانواده را می‌توان در حوزه های روانی، خانوادگی و محیطی - شخصیتی بررسی کرد. علل مهم روانی کودک آزاری: تحریک‌پذیری و حساسیت منفی بیش از حد والدین (کمپ ۱۹۸۸ به نقل از مدنی ۱۳۸۳)، افسردگی با جلوه پدوفیلیایی (بچه‌گرایی)، (پورافکاری ۳۶۵: ۱۳۷۶)، سابقه کودک آزاری در والدین و فرد آزارگر (کافمن، ۱۹۸۷ نقل از مدنی ۱۳۸۳) که به

1 - Leonard Berkowitz

2 - child neglect

۳۰٪ از موارد کودک‌آزاری‌ها شامل گردیده است (ولف ۱۹۹۹ نقل از مدنی ۱۳۸۳)، عزت نفس پایین و ضعف در روابط فردی - جنسی با همسالان و همسر تحقیق شناگوی محرر (۱۳۷۹)، رابطه قوی بین کودک‌آزاری و مقیاس‌های شخصیتی پرسشنامه میلون دودر مادران دارای کودکان آزار دیده به دست آورد. همچنین دوری‌گزینی و انزوا، وابستگی، اختلال شخصیت ضد اجتماعی، آزارگری، شخصیت وسواسی و پر خاشگر، آزار طلبی و شخصیت اسکیزوتیپ و پارانویید از جمله ویژگی‌های شخصیتی این مادران بود.

علل مهم خانوادگی کودک‌آزاری: اکثر آزارها در خانواده و از سوی والدین صورت می‌پذیرد که شامل والدین جوان و بی‌تجربه دارای استرس شغلی (کاهانی ۱۳۷۵) و سن بالای پدر بود؛ به طوری که در تحقیق اسدالهی (۱۳۸۴)، دارای رابطه معنادار و عاملی بالایی با سوء رفتار آنها با کودکانشان بود. نکته مهم، این پدیده است که در والدین با سن بالا و خیلی کم کودک‌آزاری بیشتر اتفاق افتاده است (اسدالهی ۱۳۷۴ و قاسم‌زاده ۱۳۸۰)، سطح سواد پایین والدین نیز در پژوهش‌های دیگر نشانگر رابطه مثبت و معنادار با میزان افزایش کودک‌آزاری بوده است (صفوی ۱۳۷۴، اسدالهی ۱۳۷۴، رحیمی موقر ۱۳۷۵، رشیدی‌فر ۱۳۷۶ و بخش‌علیان ۱۳۷۷). نوع شغل نیز رابطه معنادار و مثبتی با کودک‌آزاری داشته و آن دسته از مشاغل غیر تخصصی و یدی مثل کشاورزی و کارگری دارای بیشترین رابطه مؤثر بوده‌اند (مدنی ۱۳۸۳، ص ۱۲۳، محمدخانی ۱۳۷۸، رزاقی ۱۳۸۰، قاسم‌زاده ۱۳۷۸، حسینی‌سدهی ۱۳۸۰). بعد خانوار نیز با کودک‌آزاری رابطه دارد (کاهانی ۱۳۷۵، صفوی ۱۳۷۴، رحیمی موقر ۱۳۷۵، دولت‌مند ۱۳۷۵، بخش‌علیان ۱۳۷۷ و نامداری ۱۳۷۷).

یکی دیگر از الگوهای ساختی خانواده در بروز کودک‌آزاری سابقه بیماری روانی - جسمانی، طلاق و جدایی در والدین بوده است (مدنی، ۱۳۴: ۱۳۸۳). پیشینه کیفری و سوابق مجرمانه پدر و مادر به ویژه اعتیاد از عوامل خانوادگی مهم بروز سوء رفتار با کودکان بوده است. پژوهش‌های اسدالهی ۱۳۸۴ و بلسکی ۱۹۹۸، نامداری ۱۳۷۷، لئونارد ۱۹۹۸، محمدخانی ۱۳۷۸، براتوند ۱۳۸۰ و باقری یزدی ۱۳۷۹ مؤید این دیدگاه می‌باشد. در مواردی کودک‌آزاری به حدی شدید است که منجر به فرار کودکان از خانه می‌شود. بر اساس تحقیق جانقلی (۱۳۴: ۱۳۸۳) ۱۴٪ از کودکان خیابانی ناشی از ضرب و شتم والدین و بستگان در خانه بوده است و افزون بر این گروه به رفتارهای خشونت بار و شرارت آمیز روی آورده‌اند (صالح، ۱۵۶: ۱۳۸۳). خانواده‌های بد ریخت یا از ریخت افتاده مثلاً تک والدی، منزوی و دارای کمترین میزان ارتباطات اجتماعی و تعارضات درونی زیاد، همبستگی بالایی با کودک‌آزاری داشته‌اند (مدنی، ۱۴۷: ۱۳۸۳). از جمله عوامل مرتبط دیگر، تولد نوزاد جدید و مرگ یا فقدان یکی از اعضای خانواده است. تولد نوزاد جدید با توجه به نگرش خانواده و نیز جنسیت کودک قابل بررسی بوده و به هر حال حضور فرزند دیگر با کم توجهی به کودک قبلی همراه و یک عامل استرس زا است (ماسن ۵۴۵: ۱۳۸۲).

عوامل مهم محیطی و شخصیتی: این عوامل که زمینه‌ساز بروز کودک‌آزاری است، طیف گسترده‌ای را دربر می‌گیرند؛ مانند مرگ یا فقدان یکی از اعضای خانواده یا بستگان، فقر، مشکلات اقتصادی، تیپ شخصیتی والدین، استرس‌های محیطی و مکان‌های تنش‌زای روانی، محیط‌های پر جمعیت و بزهکار در فضاهای منطقه‌ای حاشیه شهرها، عدم پایبندی به اصول مذهب و اخلاق و نگرش مثبت به تنبیه کودکان (اسدالهی ۱۳۸۴، بواله‌ری ۱۳۷۷، مدنی ۱۳۸۳، کاظمی‌پور ۱۳۷۷، فخرایی ۱۳۷۷، صفوی ۱۳۷۴، رشیدی‌فر ۱۳۷۶، هوشدار ۱۳۷۴، براتوند ۱۳۸۰).

پیامدهای کودک‌آزاری: یکی از اثرات مهم و تأس‌بار آزار کودکان یعنی زمینه‌های بروز بزهکاری و جرایم شرارت در جامعه است. این نکته حائز اهمیت است که اکثر موارد کودک‌آزاری به طور یک سویه منجر به جلوه‌ها و الگوهای ساختی مجرمانه نمی‌گردد. پژوهش طباطبایی (۱۳۸۰) نشان داد ۵۵٪ موارد کودک‌آزاری (به ویژه در مردان) در جامعه پژوهشی‌اش منجر به بروز شخصیت ناپه‌نچار ضد اجتماعی شده است. پیامدهای آزارگری کودکان را در دو جلوه جسمانی - روانی می‌تواند بررسی کرد. (مدنی ۱۷۷: ۱۳۸۳). جلوه‌های جسمانی کودک‌آزاری بروز اختلالات رشدی، بد ریختی بدن و معلولیت جسمانی، سوء تغذیه منجر به افت توانایی ذهنی، کبودی بدن، شکستگی استخوان‌ها و موارد مشابه بوده است (بواله‌ری ۱۳۷۷، رحیمی موقر ۱۳۷۵، نوروزی ۱۳۷۲ و رشیدی‌فر ۱۳۷۶). بدترین پدیده جسمانی کودک‌آزاری، آزارگری منجر به فوت کودکان است که صراحتاً در متون حقوقی - کیفری با زمینه‌های مجرمانه قتل‌ها بررسی می‌گردد. متأسفانه از گزارش‌های فوت کودکان به سازمان پزشکی قانونی، ۷۷٪ موارد قتل‌های عمد و شبه عمد و خطایی بوده است (هوشدار ۱۳۷۴).

تعریف کودک‌آزاری: هرگونه آسیب جسمانی یا روانی، سوء استفاده جنسی یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی کودک و نوجوان زیر ۱۸ ساله توسط دیگر افراد یا اعضای خانواده که به صورت تصادفی نباشد، کودک‌آزاری گفته می‌شود (مدنی، ۲۰: ۱۳۸۳). این

پدیده سابقه‌ای طولانی در تاریخ بشری دارد که در هر دوره‌ای از تاریخ تعریف مفهومی آن متفاوت و فاقد بار معنایی منفی بوده است، از تقدیم دختران جوان به معابد بابل و سوء استفاده جنسی از آنها گرفته (باستانی پاریزی، ۱۳۴۳:۲۶۲)، تا زنده بگور کردن دختران از سوی اعراب عصر جاهلیت. زمانی هم به ویژه در عصر صفوی و برخی از بزرگان و شاهان صفویه در دوره‌های بعدی تاریخ ایران شاهد روسپی خانه‌های ویژه برای پسران خردسال و جوان است (راوندی، ۱۳۶۹:۳۶۰). الگوی ساختاری کودک آزاری تنها شکل جنسی نداشته است، بلکه جلوه‌های روانی - جسمانی آن نیز باید مد نظر قرار گیرد، شامل ضرب و شتم مقطعی یا مداوم یا عدم توجه به برآوردن نیازهای اولیه - ثانویه کودک در جریان رشد او می‌باشد.

شدت کودک آزاری: بر مبنای آزمون طراحی شده، هر چه نمره حاصل جمع نمرات گویه‌ها بیشتر باشد؛ شدت اذیت کودک توسط والدین بیشتر بوده است. گستره نمرات این آزمون بین ۱۰۰-۲۰ می‌باشد.

۳- روش شناسی پژوهش

این مطالعه از نوع توصیفی - زمینه‌یابی است. روش جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه (چک لیست آزار کودکان) و مصاحبه با برخی از دانش‌آموزان و والدین (پدر) است. جامعه آماری دانش‌آموزان دوره ابتدایی و والدین آنها در ناحیه ۲ آموزش و پرورش شهر قم. تعداد نمونه مورد مطالعه، ۲۰ تن از دانش‌آموزان پسر مدارس حاشیه شهر که با سؤال از مدیران مدارس، مورد اذیت و آزار والدین (پدر) خود قرار گرفته‌اند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بود. با توجه به نتایج و یافته‌های سایر محققان در مورد کودک آزاری در ۲۰ آیتم به روش لیکرت با گویه‌های پنج‌گانه از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف تنظیم گردید. با توجه به طیف گسترده جلوه‌های کودک آزاری (مدنی ۱۳۸۳:۲۱) در تنظیم و طرح سوالات برای گویه‌های ۲۰ گانه از مصادیق آن یعنی تنبیه بدنی، آزار جنسی، بی توجهی و غفلت و سوء تغذیه استفاده شد. از مجموع ۴۰ سوال طراحی شده (۱۰ آیتم برای هر مقیاس) در نهایت ۲۰ سوال با بالاترین ضریب همسویی و همبستگی با دو شق زوج و فرد و با کل آزمون با تعیین ضریب آلفای هر گویه باقی ماند. در پایان پایایی و اعتبار آزمون به شیوه فرد و زوج با یک بار اجرا بر روی نمونه‌های پژوهشی و از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۲ در حد مطلوب به دست آمد.

۴- یافته‌های تحقیق

میزان کودک آزاری والدین (پدر) بر اساس میزان تحصیلات چقدر است؟

جدول ۱: میانگین درصد کودک آزاری بر حسب تحصیلات والدین پدر

سطح تحصیلات مجرمین	میانگین درصدی نمره کودک آزاری
بیسواد یا کم‌سواد	۷۴/۶
سیکل	۶۳/۴
دیپلم	۵۲/۷
لیسانس	۳۸/۳
فوق لیسانس و بالاتر	مورد نداشت
مجموع	۷۵/۲۵

بر اساس نتایج به دست آمده از آمار توصیفی در جدول بالا، والدین (پدر) بیسواد یا کم سواد، به میزان ۷۴ درصد، والدین (پدر) سیکل به میزان ۶۳ درصد، والدین (پدر) دیپلم به میزان ۵۲ درصد، والدین (پدر) لیسانس به میزان ۳۸ درصد و در مجموع والدین (پدر) به میزان ۷۵ درصد، فرزندان خود را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند. بر اساس مقایسه نسبی، والدینی که دارای تحصیلات عالی هستند (یعنی دانشگاه رفته‌اند)، به نسبت ۲ برابر کمتر از والدین دارای تحصیلات زیر دیپلم، کودک آزاری می‌کنند. بین میزان تحصیلات والدین (پدر) و کودک آزاری رابطه وجود دارد.

جدول ۲: نتایج آزمون همبستگی برای متغیرهای کودک آزاری و تحصیلات والدین پدر

متغیرها	کودک آزاری و تحصیلات والدین پدر
مقدار همبستگی	-۰/۲۶۶
سطح معناداری	۰/۰۴۸
تعداد پاسخ‌دهنده	۲۰

بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون در جدول بالا، ($r=-0/266$, $p=0/048$) حاکی از آن است که بین میزان کودک آزاری والدین (پدر) با درجه تحصیلات آنان، به میزان ۰/۲۶۶ همبستگی معکوس وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه تحصیلات والدین (پدر) کمتر می‌شود، بر میزان کودک آزاری آنان اضافه می‌گردد. ضمناً این مقدار همبستگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است.

بین داشتن شغل مشخص (شاغل بودن و شاغل نبودن) والدین (پدر) و کودک آزاری رابطه وجود دارد.

جدول ۳: نتایج آزمون همبستگی برای متغیرهای کودک آزاری و وضعیت شغلی والدین پدر

متغیرها	کودک آزاری و وضعیت شغلی والدین پدر
مقدار همبستگی	۰/۱۰۸
سطح معناداری	۰/۱۲۲
تعداد پاسخ‌دهنده	۲۰

بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون در جدول بالا، ($r=0/108$, $p=0/122$) حاکی از آن است که بین میزان کودک آزاری والدین (پدر) با وضعیت شغلی آنان، به میزان ۰/۱۰۸ همبستگی مستقیم وجود دارد. به عبارت دیگر، اگر والدین (پدر) شغل مشخصی داشته باشند، از میزان کودک آزاری آنان کاسته می‌شود. ضمناً این مقدار همبستگی معنادار نیست.

۵- بحث و نتیجه گیری

در آمریکا انجمن مبارزه با کودک آزاری در سال ۱۸۷۴ تشکیل شد. در دهه ۱۹۴۰ در این کشور گزارش‌های درمانی بدون توضیح علت آسیب دیدگی فرضیات جدیدی را در مورد سورتار با کودکان مطرح کردند. در فرانسه نیز حدود ۱۰۰ سال پیش "تاردیو" متخصص پزشکی قانونی فرانسه، سندرم کودک آزاری جسمی خصوصاً آزار جسمی علیه کودکان ناتوان را گزارش نمود. در دو دهه اخیر همزمان با توجه بیشتر به مسائل کودکان، کودک آزاری نیز بیشتر مورد نظر قرار گرفته. تصویب کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ و پذیرفتن این کنوانسیون از سوی کشورهای جهان از جمله ایران را، می‌توان نقطه عطف جهانی درباره توجه به کودکان دانست.

هرگونه آسیب جسمی یا روانی، سوء استفاده جنسی یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی افراد زیر ۱۸ سال توسط دیگر افراد و به صورتی که غیرتصادفی نباشد، کودک آزاری تلقی می‌شود. کودک آزاری به سه دسته مهم تقسیم می‌شود: کودک آزاری جسمی به هر عملی که منجر به آسیب عمدی جسمی کودک شود گفته می‌شود. آزار جنسی، درگیر نمودن کودک در فعالیت‌هایی است که منجر به ارضاء جنسی افراد بزرگسال می‌شود. غفلت یا بی‌توجهی سومین دسته است که معمولاً در خانواده‌های کم‌درآمد مشاهده می‌گردد. غفلت عبارت است از اهمال و غفلت والدین از تأمین نیازهای اساسی کودک که برای بهتر زیستن او ضروری هستند. بی‌توجهی جسمانی به تأخیر در مراقبت بهداشتی، ترک، اخراج، مراقبت گسیخته، سرپرستی ناکافی، بی‌پروایی و بی‌ملاحظگی نسبت به امنیت و رفاه کودک گفته می‌شود. بی‌توجهی عاطفی شامل مهرورزی و عاطفه ناکافی، سوء استفاده افراطی یا مزمن از همسر در حضور کودک یا سوء استفاده از داروها و الکل در حضور او و مواجهه او با رفتارهای ناسازگارانه اطلاق می‌شود.

بحث‌هایی که بر سر تعاریف و حدود کودک آزاری در می‌گیرد به طور کامل خودش را در قوانین ایران نشان می‌دهد. طبق ماده ۷ قانون ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۰۹ قانون مدنی، تنبیه توسط والدین به منظور تأدیب و تربیت طفل در صورتی که متعارف باشد، جرم تلقی نمی‌شود. سال‌ها است که بین کارشناسان حقوقی، جامعه‌شناسان و فعالان اجتماعی بر سر حد تأدیب بحث در می‌گیرد، اما تا کنون قانون جواب قانع‌کننده‌ای به این مسأله نداده است.

بر اساس آمارهای موجود، ۱۶۵ مورد کودک آزاری به انجمن حمایت از حقوق کودکان گزارش شده است که ۴۳/۸ درصد از کودکان مورد آزار قرار گرفته پسر و ۵۶/۲ درصد دختر بوده‌اند. بیشترین آزار کودکان با ۳۷/۵ درصد توسط پدران صورت گرفته و مادران ۱۸/۸ درصد رتبه دوم را داشته‌اند. سایر کودک آزاران را به ترتیب پدر و مادر به طور مشترک با ۱۳/۸ درصد، نامادری ۱۰/۶ درصد، مدیر و معلم ۶/۳ درصد، ناپدری ۴ درصد و ناپدری و نامادری با هم ۳/۷ درصد، مؤسسات نگهداری کننده از کودکان ۲/۵ درصد، مادر و ناپدری ۱/۹ درصد بوده است. بیشترین نوع کودک آزاری با ۷۰/۶ درصد جسمی بوده است که از این میان کتک زدن با کمربند، دست، کابل و سوزاندن بیشترین روش کودک آزاری جسمی کودکان بوده است. ۶/۳ درصد از کودک آزاری‌ها و به عبارتی دومین رتبه، آزارهای جنسی بوده است که البته به نظر می‌رسد درصد این نوع آزار بالاتر از این رقم بوده ولی به دلیل تابو بودن مسأله و برخی ملاحظات از سوی والدین و یا شرم کودک، بیان نشده باشد. سایر کودک آزاری‌ها شامل ۴/۴ درصد فرار از خانه، ۰/۵ درصد اخراج از خانه، ۴/۴ درصد حبس در خانه و حمام، ۳/۱ درصد ممانعت از ملاقات با مادر مطلقه، ۲/۵ درصد مسامحه و بی‌توجهی به نیازهای اساسی کودک، ۳/۸ درصد سوء استفاده از کودکان در تکیه‌گری و ممانعت از تحصیل بوده است (صفوی ۱۳۷۴، اسداللهی ۱۳۸۴، بخش‌علیان ۱۳۷۷، براتوند ۱۳۸۴ و رشیدی فر ۱۳۷۶).

نتایج بررسی شیوع برخی از موارد کودک آزاری در ایران (سال ۸۲)، نشان می‌دهد که طبق گزارش والدین در طول ۲۴ ساعت قبل از زمان بررسی ۵۰ درصد کودکان یک تا ۵ سال، ۳۸ درصد کودکان ۶ تا ۱۱ سال و ۲۳ درصد کودکان ۱۲ تا ۱۸ ساله مورد مطالعه مورد بداحمی، غضب و بی‌اعتنایی مراقبین خود قرار گرفته بودند. همچنین ۳۱ درصد کودکان ۱ تا ۵ سال، ۲۰/۵ درصد کودکان ۶ تا ۱۱ سال و ۸/۷ درصد کودکان ۱۲ تا ۱۸ سال توسط مراقبین خود مورد تنبیه بدنی در ۲۴ ساعت قبل از بررسی قرار گرفته بودند که بر اثر تنبیه بدنی، آثار تنبیه بر روی بدن ۲/۲ درصد کودکان ۱ تا ۵ سال، ۱/۵ درصد کودکان ۶ تا ۱۱ سال و ۱/۱ درصد کودکان ۱۲ تا ۱۸ سال وجود داشته است. طبق نتایج این تحقیق ۸ هزار مورد خشونت خانگی مشاهده شده که نیمی از آن را کودکان تشکیل می‌دادند. از این میزان ۲۰ درصد مربوط به کودک آزاری جنسی می‌شد (صفوی ۱۳۷۴، اسداللهی ۱۳۸۴، بخش‌علیان ۱۳۷۷، براتوند ۱۳۸۴ و رشیدی فر ۱۳۷۶).

بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیقات قبلی و نتایج این مطالعه، کودک آزاری، کما بیش از خانواده‌های ایرانی خصوصاً در بخشی که دارای فقر فرهنگی، فقر اقتصادی، فقر پایگاه اجتماعی و مواردی از این دست، وجود دارد. نتایج این مطالعه نشان داد، کودک آزاری رابطه متسببی با تحصیلات والدین (پدر) داشته و همچنین با کودک آزاری با وضعیت اشتغال والدین (پدر)، رابطه نشان می‌دهد.

پژوهش‌های قبلی، تأیید کننده وجود کودک‌آزاری در خانه، رابطه معنادار و بالایی با سطح سواد والدین داشته است. بیشترین آزار جسمانی کودکان توسط والدین دارای سواد پایین و بیسواد دیده شده است (اسدالهی ۱۳۷۴، رحیمی‌موقر ۱۳۷۵، نامداری ۱۳۷۷، بخشعلیان ۱۳۷۷، مدنی ۱۳۸۳).

۶- منابع و مآخذ

- آریانپور، امیرحسین (۱۳۵۷). زمینه جامعه شناسی، نشر کتاب‌های جیبی، تهران
- ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۷۴). اثرات سوء استفاده و بدرفتاری بر تحمل اجتماعی و روانشناختی کودک، مجمع علمی جایگاه تربیت وزارت آموزش و پرورش.
- ارونسون، الیور (۱۳۶۷). روانشناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن، چاپ چهارم، انتشارات رشد، تهران
- اسدالهی، ملیحه (۱۳۷۴). بررسی سوء رفتار والدین با کودکان خود در مدارس ابتدایی دخترانه تبریز، رساله کارشناسی ارشد پرستاری گرایش بهداشت کودک، دانشگاه تبریز.
- افسری، معصومه و بهرام نژاد، علی (۱۳۷۵). تأثیر عوامل خانوادگی در بزهکاری نوجوانان، ماهنامه اصلاح و تربیت. سال دوم. شماره ۱۷.
- انجمن جامعه‌شناسی ایران (۱۳۸۳). روسپیگری، کودکان خیابانی و تکدی (مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران خرداد ۸۱) نشر آگاه جلد پنجم تهران: مقاله: مقایسه کودکان خیابانی و شبانه روزی تهران، علیرضا صالح.
- انجمن جامعه‌شناسی ایران (۱۳۸۳). روسپیگری، کودکان خیابانی و تکدی (مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران خرداد ۸۱) نشر آگاه جلد پنجم تهران: مقاله: نگاهی به وضعیت کودکان خیابانی در ایران، علل و عوامل، مصطفی جانقلی.
- انجمن روانشناسی آمریکا (۱۳۸۱). راهنمای اختلالات روانی DS M-IV-TR ترجمه محمدرضا نیکخو، چاپ دوم، نشر سخن، تهران
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۴۳). خاتون هفت قلعه، نشر دهخدا، تهران
- باقری یزد، سیدعباس (۱۳۷۹). بررسی موارد کودک‌آزاری جسمانی در مراجعین درمانگاههای اورژانس اطفال تهران، وزارت بهداشت و درمان، تهران
- بخش‌علیان، احمد (۱۳۷۷). شیوه و عامل سوء رفتار والدین بر دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی تهران، رساله کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی .
- برات‌وند، محمود (۱۳۸۳). استرس و عوامل مرتبط با آن، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال دهم، شماره ۱۱۴ ص ۳۷-۲۸.
- برات‌وند، محمود (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه منطقه حاشیه نشین سیدخلف با مرفه نشین کیانپارس اهواز، ارائه شده در همایش آسیب شناسی اجتماعی و حاشیه نشینی، قوه قضاییه: تهران.
- بوالهری، عبدالعلی (۱۳۷۷). جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.
- بی‌نا، پرخشگری کودکان در دوره نوجوانی، ماهنامه اصلاح و تربیت. سال پنجم. فروردین ۱۳۷۸.
- پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۷۶). فرهنگ تخصصی روانشناسی و روانپزشکی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران
- ثناگوی محرر، غلامرضا (۱۳۷۹). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی مادران کودک آزار با مادران غیر کودک آزار در پسران ۱۵-۱۲ ساله تهرانی، رساله کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- حسینی سدهی، نرگس (۱۳۸۰). ادارک خود در نوجوانان آزاردیده و آزارندیده ناحیه ۶ و ۱۱ شهرداری تهران، رساله کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۶۹). تاریخ اجتماعی ایران، جلد ششم، چاپ دوم، نشر نگاه، تهران
- رحیمی‌موقر، آفرین (۱۳۷۶). بررسی مقایسه‌ای میزان شیوع بدرفتاری جسمانی با کودک کوی ۱۳ آبان شهرری و ناحیه ۳ شهرداری تهران، معاونت پیشگیری سازمان بهزیستی کشور
- رشیدی‌فر، ناصر (۱۳۷۶). بررسی رابطه بین عوامل جمعیت‌شناختی و ویژگی‌های شخصیتی با کودک‌آزاری نوجوانان شهرستان اهر، رساله کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران.